

کاربردهای بلاغی ویژه در غزلیات جهان ملک خاتون

علی اکبر عطرفی^۱

سارا پاشا^۲

چکیده

در مقاله حاضر ویژگی‌های بلاغی موجود در پنجاه غزل منتخب از دیوان جهان ملک خاتون از شاعران قرن هشتم بررسی شده است، به گونه‌ای که این غزل‌ها از سه دیدگاه بیان، بدیع و معانی مورد بحث واقع شده‌اند. بر اساس بررسی صورت گرفته، کاربرد زیاد تشبیه در غزل‌ها، که بیشتر از نوع حسی به حسی هستند، سبک شاعر را به سبک خراسانی نزدیک می‌کند. استعاره‌های به کار رفته اغلب ساده و زودیاب است و تراکم تصویری در غزل‌ها مشاهده نمی‌شود. کنایه‌های موجود در این غزل‌ها نیز به آسانی درک می‌شود. جهان ملک خاتون، برای سرودن غزل‌ها از وزن‌های خوش‌آهنگ و روان استفاده کرده که با موضوع عشق و غم غزل‌ها، تناسب دارد. عیب قافیه در غزل‌های او جز در یک مورد، مشاهده نمی‌شود. بیشتر غزل‌ها ردیف دارند که این امر به افزایش موسیقی کلام و تأثیرگذاری بیشتر آن کمک می‌کند. آرایه‌های بدیع لفظی به کار رفته، موجب هماهنگی‌های آوایی کلمات شده و جنبه موسیقایی کلام را افزایش داده‌اند. آرایه‌های بدیع معنوی، ارتباط معنایی کلمات را محکم‌تر کرده و جنبه ادبی کلام را بالا برده‌اند. در غزل‌های جهان ملک خاتون جمله‌های خبری، بسامد بالایی دارند و معنای ثانویه بیشتر آن‌ها، اظهار اندوه است. در انتها باید گفت که در غزل‌های جهان ملک خاتون از علوم بلاغی، در حد اعتدال بهره گرفته شده است. مسائل ادبی، به غزل‌های او زیبایی بخشیده و از سادگی و روانی آن‌ها نکاسته است.

کلیدواژه‌ها: جهان ملک خاتون، بلاغت، سبک غزل، شعر فارسی قرن هشتم

هجری، آرایه‌های ادبی.

۱. استادیار دانشگاه علامه طباطبایی.

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی.

مقدمه

در طول تاریخ پر بار فرهنگی و ادبی ایران، از زنان شاعر، کمتر نام برده شده است. اگر هم از شاعرانی چون مهستی گنجوی و رابعه بنت کعب نام برده می‌شود، شرح حال روشنی از آن‌ها در دسترس نیست. تعداد اشعار باقی مانده از آن‌ها نیز از نظر کمی و کیفی قابل توجه نیستند. با توجه به این موضوع می‌توان گفت که بررسی اشعار شاعران زن، در پژوهش‌های ادبی ضرورت دارد. جهان ملک خاتون - شاعر قرن هشتم - یکی از شاعرانی است که اشعار او چندان بررسی نشده است. وی دختر شاه مسعود اینجو، برادر بزرگ شاه شیخ ابواسحاق، ممدوح محبوب حافظ بوده است. جهان ملک خاتون در شعر، جهان، تخلص می‌کرد و این واژه را به صورت چند معنایی و همراه با ایهام در غزل خود می‌آورد.

خاندان اینجو سلسله نسب خود را به خواجه عبدالله انصاری می‌رساندند و به این ترتیب، جهان که نیای پدری‌اش شاه محمود اینجو و نیای مادری‌اش خواجه رشید الدین فضل الله بود، با انتساب خاندان او به خواجه عبدالله انصاری، از خاندان عرفان و ادب به شمار می‌آمد.

پس از کشته شدن عموی جهان (شاه شیخ ابواسحاق) به فرمان امیر مبارزالدین در سال ۷۵۷ ق و غلبه آل مظفر بر شیراز، جهان مشکلاتی را که برای او و خاندانش پیش آمده بود، تحمل کرد. وی با سرودن شعر، اندوه خود را تسکین می‌داد.

با سپری شدن دوران امیر مبارز الدین و روی کار آمدن شاه شجاع، جهان به حکومت وی امید می‌بندد و او را در قصیده‌ای مدح می‌کند. (قصیده شماره ۴ دیوان، صفحه ۷، بیت ۱۲)

جهان، علاوه بر شاه شجاع، احمد بهادر خان، پسر شیخ اویس ایلکانی را نیز مدح کرده است. (قصیده شماره ۳، صفحه ۶) به روایتی جهان، دیوانش را به احمد بهادر و به روایت دیگری به شاه شجاع، هدیه کرده است.

در تعدادی از شعرهای جهان خاتون، گاهی از سلطان بخت نامی، یاد شده است که شاعر با عاطفه‌ای شدید و اندوهی بی‌پایان از او یاد کرده است. سلطان بخت را زمانی مادر، و زمانی معشوق او پنداشته‌اند، اما با مطالعه اشعار جهان در رثای وی، این احتمال می‌رود که سلطان بخت، دختر او بوده که در کودکی یا نوجوانی درگذشته است.

جهان ملک خاتون، در شیوه غزل سرایی به سعدی نظر داشته و ارادت خود را نسبت به او در غزل شماره ۲۳۰، (صفحه ۹۱) ابراز کرده است:

به رسم تضمین این بیت دلکش ز شعر شیخ که جانم به طبع دارد
ز دست دشمنم‌ای دوستان شکایت شکایتم همه از دوستان
در غزل‌های او کمتر ویژگی‌های زنانه و شخصی دیده می‌شود؛ اما گاهی عواطف
خاص یک شاهزاده خانم در شعرش بازتاب یافته است. در غزل ۷۸۳، (صفحه ۲۸۷)، این
مورد به روشنی دیده می‌شود:

به یادم آمد آن جوانی و ناز که کردیم با دلبران طنّاز
به پایم نهاده بسی سروران سری کاو بدی در جهان سرفراز ...

غزل‌های جهان ملک خاتون با غزل‌های حافظ شباهت بسیاری دارند، خانم پروین
دولت‌آبادی در کتابی به نام **منظور خردمند**، بیش از بیست مورد از این غزل‌ها را
آورده‌اند. همین شباهت غزل‌های جهان ملک خاتون با حافظ است که مبنای انتخاب غزل‌ها
برای کار بررسی سبک‌شناختی شعرهای جهان ملک خاتون قرار گرفته است.

آنچه درباره تاریخ تولد و وفات جهان، می‌توان گفت این است که وی پس از سال
۷۲۵ق (سال ازدواج پدر جهان با مادرش) ولادت یافته و دست کم تا سال ۷۸۴ زندگی
کرده است؛ زیرا جهان، احمد بهادر ایلکانی، پسر اوئیس را که به سال ۷۸۴ق به حکومت
رسیده، مدح کرده است، بنابراین وفات او پس از این تاریخ بوده است.

دیوان جهان ملک خاتون شامل یک دیباجه، چهار قصیده، حدود هزار و چهارصد و
سیزده غزل، یک ترجیع‌بند و تعدادی شعر در رثای فرزند و حدود ۳۵۷ رباعی است.

از نخستین کارهایی که درباره اشعار جهان ملک خاتون، انجام شده، مقاله‌ای است با
عنوان **حافظ و جهان ملک خاتون**، از سعید نفیسی که در کتاب **درباره حافظ**، سال
۱۳۶۳ به چاپ رسیده است. اثر دیگر، مقاله پروین دولت‌آبادی است که ابتدا در کتاب
سخن اهل دل، در سال ۱۳۶۷، چاپ شده و سپس به صورت کتابی با عنوان **منظور
خردمند** در سال ۱۳۷۸، منتشر شده است. زهرا اسدی نیز، مقاله‌ای با عنوان **بانوی
غزل فارسی در عصر حافظ**، به چاپ رسانده است. اما در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به
مسائل ادبی موجود در غزل‌های جهان ملک خاتون، به طور خاص پرداخته نشده است.
برخی از غزل‌های وی از نظر موسیقی بیرونی و کناری شباهت زیادی با غزل حافظ
دارند، که این شباهت معیار انتخاب غزل‌ها، برای بررسی ویژگی‌های ادبی موجود در
آن‌ها در این مقاله بوده است.

۱. آرایه‌های بیانی

منظور از آرایه‌های بیانی یا علم بیان، ایراد یک معنا به شیوه‌های گوناگون است؛ مشروط بر این که این شیوه‌ها از نظر تخیل، متمایز از یکدیگر باشند (شمیسا، ۱۳۸۳ الف: ۱۳) دقت در روش اداهای معنی واحد، نشان دهندهٔ اختلاف در نگرش‌های شاعران است. این اختلاف‌ها، تفاوت سبک دوره‌های مختلف ادبی یا سبک خاص شاعران و نویسندگان را نشان می‌دهد. (همان: ص ۱۵)

آرایه‌های بیانی، یعنی تشبیه، استعاره، کنایه و مجازهای به‌کار رفته در اشعار جهان ملک خاتون، با توجه به بیشترین میزان کاربرد آن‌ها، بررسی شده است؛ به‌گونه‌ای که تشبیه با ۱۸۳ مورد، استعاره ۱۲۷ مورد و کنایه ۷۶ مورد استفاده، آرایه‌های بیانی پرکاربرد این غزل‌ها هستند.

تشبیه

تشبیه در علم بیان به معنی مانند کردن چیزی یا کسی است به چیزی یا کسی دیگر، بر بنیاد پیوندی که به پندار شاعرانه در میانهٔ آن دو می‌توان یافت (کزازی، ۱۳۶۸: ۴۰) هدف از تشبیه، بیان امکان مشبّه، بیان مقدار صفتی در مشبّه، تقریر و اثبات حال مشبّه و بیان نادرگی و کمیابی مشبّه است (فتوحی، ۱۳۸۶: ۹۰-۹۲) در تشبیهات، به علت نزدیکی به طبیعت، حرکت بیشتر از استعاره‌ها است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۲۵۳-۲۵۲)

نتایج حاصل از بررسی تشبیه‌ها به قرار زیر است:

الف) حدود ۵۲٪ از این تشبیه‌ها، از نظر اعتبار طرفین تشبیه (حسی به حسی، حسی به عقلی و ...) از نوع حسی به حسی هستند. تشبیه یک شیء حسی به شیء حسی دیگر، در پایین‌ترین سطح ادراک حسی قرار دارد. چنین تصویرهایی به سهولت قابل درک بوده و در سطح زبان و ارتباط حسی میان واژه‌ها متوقف می‌شوند. (فتوحی، ۱۳۸۶: ۶۳)

بسامد بالای تشبیه حسی به حسی، موجب می‌شود که سبک متن به سبک خراسانی بیشتر از سبک عراقی شبیه باشد، زیرا تشبیه حسی به حسی، در سبک خراسانی رواج بیشتری داشته است (شمیسا، ۱۳۸۳ الف: ۳۶) در زیر نمونه‌ای از تشبیه حسی به حسی به‌کار رفته، آورده می‌شود:

دلَم ز هوش به در رفته بود از ز بوی عنبر زلف تو باز هوش آمد

(جهان ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۲۲۱)

زلف از جهت سیاهی و خوشبویی به عنبر تشبیه شده است.

ب) غرایب در تشبیه اهمیت و تأثیر بسیار دارد. زمانی که وجه شبه تا حدی پوشیده است، خاطر شنونده برای درک آن به پویه و تلاش نیاز دارد. معمولاً هم، از کوشش خویش لذت می‌برد (زین کوب، ۱۳۴۶: ۶۴) اما در تشبیه‌های جهان ملک خاتون، حدود ۷۷٪ وجه شبه‌ها، تحقیقی هستند؛ یعنی مایه‌ها و زمینه شباهت مورد نظر، تا حدودی در دو طرف تشبیه وجود دارد (شمیسا، ۱۳۸۳ الف: ۴۲) این امر موجب می‌شود که تخیل کمتری در تشبیه‌ها مشاهده شود؛ مخاطب نیز تلاش کمتری برای درک تشبیه‌ها دارد و در نتیجه، لذت کمتری می‌برد. نمونه‌ای از این نوع تشبیه ذکر می‌شود:

از تاب دو چوگان سر زلف تو یارا
سرگشته میدان تو گشتیم چو گویی

(همان: ۵۰۴)

سر زلف یار از نظر پیچ و تاب داشتن به چوگان و عاشق هم از جهت سرگستگی به گوی بازی چوگان تشبیه شده است.

ج) ویژگی دیگر تشبیه‌های به کار رفته در اشعار انتخابی، این است که حدود ۷۴٪ آن‌ها، از نوع مفرد به مفرد هستند. در این نوع تشبیه، تراکم تصویری دیده نمی‌شود. مانند:

اسیر خار هجرانم نگارا
چه باشد کز در وصلم درآیی

(همان: ۵۰۳)

هجران از جهت آزار رسانی، به خار تشبیه شده است.

د) زاویه تشبیه در این تشبیه‌ها، همگی از نوع بسته است؛ یعنی مشابهت میان مشبّه و مشبّه به، واضح و نزدیک است (شمیسا، ۱۳۸۳ الف: ۴۵) تمام نمونه‌هایی که در بالا ذکر شد، این گونه هستند.

ه) اضافه تشبیهی و تشبیه بلیغ به ترتیب با ۵۲٪ و ۶۶٪، از بسامد بالایی برخوردار هستند. تشبیه بلیغ در مقایسه با انواع دیگر تشبیه که ادات تشبیه یا وجه شبه ذکر می‌شود، جنبه هنری بیشتری دارد. اگر تشبیه‌ها تازه و خلاقانه باشد، جنبه هنری تشبیه نیز بیشتر می‌شود؛ استفاده از عبارتهایی مانند "قد سرو" و "لب لعل" هرچند اضافه‌های تشبیهی هستند، اما به دلیل کاربرد زیادی که در متون ادبی دارند، جنبه هنری متن را افزایش نمی‌دهند. به عنوان مثال می‌توان به نمونه زیر اشاره نمود:

بر نور شمع رویت پروانه حقیرم
بر آتش جمالت تا کی چنین بمیرم

(همان: ۳۶۰)

استعاره

استعاره و تشبیه، از نظر ماهیت یکی هستند؛ اگر از جمله تشبیهی، مشبّه و وجه شبه و ادات تشبیه حذف شود، به این مشبّه به باقی مانده استعاره می‌گویند. (شمیسا، ۱۳۸۳ الف: ۵۸)

استعاره به شاعر این امکان را می‌دهد که یک معنا را در عبارات مختلف تکرار کند، به گونه‌ای که نامکّرر بنماید و هر بار بر قدرت کلام خود بیفزاید. همچنین از استعاره برای مقاصد چون وضوح، ایجاز، پرهیز از رکاکت، بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی و تزئین کلام استفاده می‌شود. (فتوحی، ۱۳۸۶: ۹۳)

از بررسی استعاره‌های موجود در غزل‌های این شاعر، نتایج زیر به دست آمد:

الف) بیشتر استعاره‌های به کار رفته، یعنی حدود ۹۵٪ آن‌ها، از نوع استعاره مصرحّه مجردّه هستند. در این نوع استعاره، خواننده به سرعت متوجه مشبّه می‌شود، زیرا در یکسان پنداشتن مشبّه و مشبّه به چندان اغراق نشده است. (شمیسا، ۱۳۸۳ الف: ۶۰)

همین امر نشان می‌دهد که تصویرهای حاصل از این استعاره، عمیق و پیچیده نیستند. مانند این مورد:

شمع عالم سوز من با جمع خوش
با دلی مجموع و من خاطر پریشانم
(همان: ۳۱۰)

شمع عالم سوز، استعاره از معشوق است.

ب) در حدود ۳۹٪، از استعاره مکنیه تخیلیه استفاده شده است. تشخیص، یکی از انواع استعاره مکنیه تخیلیه است که در میان انواع تصویر، زنده‌ترین و پرتحرک‌ترین شکل آن است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۲۶۲) در اینجا نمونه‌ای از این نوع استعاره آورده می‌شود:

چند در خواب رود بخت من شوریده
وقت آن است که از خواب گران
(همان: ۱۸۷)

بخت به انسانی تشبیه شده که به خواب می‌رود.

ج) طرفین تشبیه در استعاره‌های به کار رفته، از نوع حسی به حسی است. از آن جا که نتایج کاربرد این نوع تشبیه و استعاره در قسمت (الف) بخش تشبیه آورده شد، در این جا به ذکر نمونه‌ای از آن بسنده می‌شود:

بگو تا چند خون دل به غم در ساغر
ز هجر روی آن دلبر ز دیده گوهر
(همان: ۳۹۶)

خون دل، استعاره از شراب و گوهر، استعاره از اشک است.

د) استعاره از نوع مفرد به مفرد، بسامد بالایی دارد. این امر موجب می‌شود که تراکم تصویر و پیچیدگی مفاهیم در اثر ایجاد نشود و درک متن آسان و سریع صورت پذیرد. مانند:

عاقبت کار فرو بسته خدا بگشاید
در فتحی به من از روی صفا بگشاید
(همان: ۲۵۹)

در فتح، اضافه استعاره است؛ فتح به سرایی تشبیه شده که شاعر آرزو می‌کند در این سرا به روی او گشوده شود.

آنچه یادآوری آن ضروری می‌نماید، این است که جامع (وجه شبه) تمام استعاره‌های به کار رفته، از نوع قریب است؛ یعنی این نوع استعاره‌ها تکراری و آسان فهم هستند، زیرا ربط میان مشبه و مشبه به آشکار است. همچنین در استعاره‌های به کار رفته، جامع یا همان وجه شبه، در ۶۶٪ موارد، تحقیقی است. این امر نیز، استعاره را زودیاب می‌کند و خواننده برای فهم تصویر حاصل، احتیاج به کوشش ندارد. نمونه‌هایی که برای انواع دیگر استعاره آورده شد، در این مورد نیز صدق می‌کند، به همین دلیل از ذکر آن‌ها چشم‌پوشی می‌شود.

کنایه

ساختار کنایه بر التزام استوار شده است. اگر سخنور لازم چیزی را در سخن بیاورد و از آن لازم، خود آن چیز را بخواهد، از کنایه استفاده کرده است. در کنایه، معنای راستین واژه یا کلام نیز پذیرفتنی است. (کزازی، ۱۳۶۸: ۱۵۷) کنایه در غزل، تقاضا و غیره، به شاعران خدمت بسیار می‌کند و بسا که آن‌ها را از ارتکاب خطرها، آن‌جا که گفتن حقیقت سخت است، می‌رهاند. (زرین‌کوب، ۱۳۴۶: ۷۱)

کنایه‌های به کار رفته در اشعار انتخابی، همگی ایماء، (ربط بین معنی اول و دوم آشکار است) بوده، از نظر انتقال مقصود نیز، از نوع قریب هستند. به‌عنوان مثال در بیت زیر:

از گلشن وصال تو خواهیم رنگ و بوی
تا دشمن تو را شوم ای دوست خار چشم
(همان: ۳۶۴)

خار چشم کسی شدن، یعنی موجب نابینایی کسی شدن و برای او مزاحمت ایجاد کردن.

مجاز

بحث مجاز را در علم بیان، فقط از جهت تبیین استعاره که مهم‌ترین نوع مجاز است، مطرح می‌کنند. از میان انواع مختلف مجاز، فقط استعاره تصویرساز است. (شمیسا، ۱۳۸۳ الف: ۲۱) با توجه به این که در بخش پیشین به استعاره پرداخته شد، در این بخش از توضیح بیشتر درباره مجاز، چشم‌پوشی می‌شود.

۲. آرایه‌های بدیعی

زبان سبک ادبی، زبانی است که از نظر معنی و موسیقی، از زبان سبک‌های دیگر (علمی، تاریخی، ...) و زبان روزمره یا استاندارد متمایز است. هرگونه انحراف و تغییر هنری (انحرافی که جنبه زیباشناختی داشته باشد) از زبان عادی، چه در معنی و تصویر، چه در لفظ و موسیقی، یک مورد یا صنعت بدیعی است. این صنایع در قدیم تزیین حساب می‌شدند و قدما علم بدیع را بحث از وجوه تحسین کلام تعریف کرده‌اند؛ اما امروزه مسلّم است که برخی از آن‌ها، جزو ذات ادبیات هستند. از طرف دیگر، کلامی ادبی است که بسامد این صنایع در آن زیاد باشد. (شمیسا، ۱۳۸۳ ب: ۲۴)

بدیع لفظی

الف) تسجیع

در کلّ اشعار جهان ملک خاتون ۶۴ مورد، سجع مشاهده شد. با توجه به این که سجع متوازی تأثیر بیشتری در افزایش موسیقی کلام دارد و در اشعار جهان ملک خاتون نیز از بسامد بالایی (حدود ۶۲٪) برخوردار است، در این‌جا نمونه‌ای از آن آورده می‌شود:

اگر قد سهی سروش درآید در سماع نثار خاک پای او به جای زر سر اندازیم
(همان: ۳۹۶)

میان در، زر، سر سجع متوازی دیده می‌شود.

ب) تجنیس

در غزل‌های جهان ملک خاتون نمونه‌ای از تجنیس در سطح کلام مشاهده نشد؛ اما به‌طور کلی در ۴۲ مورد، از روش تجنیس استفاده شده است. تجنیس در سطح کلمه انواعی دارد که پرکاربردترین آن‌ها، جناس زاید با حدود ۷۳٪ کاربرد است. در این نوع جناس، یکی از کلمات نسبت به کلمه دیگر، واک یا واک‌هایی در آغاز، وسط یا آخر، اضافه دارد که به ترتیب، مزید (مطرف)، جناس وسط و مذیل نامیده می‌شوند. در این قسمت، برای هر کدام از این سه نوع، نمونه‌ای آورده می‌شود:

یار در عالم نمی‌بینم بسی / وین زمان جز صحبت اغیار کو
(همان: ۴۳۸)

در این بیت، نمونه‌ای از جناس مزید، میان کلمات یار و اغیار مشاهده می‌شود.

پیش روی تو دلم از سر جان برخیزد / جان چه باشد ز سر هر دو جهان
(جهان ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۱۸۷)

جان و جهان در این بیت جناس وسط دارند. در اشعار جهان ملک خاتون، جناس وسط بسامد بیشتری نسبت به انواع دیگر دارد. دلیل این امر، جناسی است که شاعر، میان کلمه "جان" با کلمه "جهان" که نام و تخلص اوست، برقرار کرده است.

از غم جان بر لب آمد چون کنم / غم بسی دارم ولی غمخوار کو
(همان: ۴۳۸)

در این بیت نیز، میان غم و غمخوار، جناس مذیل دیده می‌شود.

ج) تکرار

در غزل‌های جهان ملک خاتون، در ۷۵ مورد، از این روش استفاده شده است. آن‌چه در شعر وی بسامد بالایی دارد، استفاده از این روش در سطح کلمه، در حدود ۶۶٪ است که ۸۰٪ این کلمه‌ها به‌صورت پراکنده در بیت به‌کار رفته‌اند. از روش تکرار در سطح واک نیز، حدود ۳۳٪ استفاده شده است. تعدادی از این نمونه‌ها در زیر آورده می‌شود:

باغبانا صبر کن با زحمت زاغان بساز / بلبل شوریده باز آید به بستان غم مخور
(همان: ۲۸۲)

در این بیت نیز تکرار صامت "ب" به چشم می‌خورد.

گفته بودم یار گیرم یار کو / در جهان اکنون ز یار آثار کو
(همان: ۴۳۸)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تکرار کلمه "یار" در این بیت، آرایه تکرار را ایجاد کرده است.

بدیع معنوی

بدیع معنوی با به‌کارگیری روش تشبیه، تناسب، ایهام، ترتیب کلام، تعلیل و توجیه ایجاد می‌شود. در ادامه، این روش‌ها، با توجه به میزان کاربرد آن‌ها در غزل‌ها بررسی می‌شوند.

روش تناسب

تناسب از مهم‌ترین عوامل تشکل و استحکام فرم درونی شعر است در این روش میان کلمات، تناسب معنایی ایجاد می‌کنند. این تناسب می‌تواند تناسب منفی باشد، مثلاً در تضاد. از انواع تناسب می‌توان به مراعات نظیر، تضاد، تلمیح و غیره اشاره کرد. در غزل‌های جهان ملک خاتون در ۱۵۹ مورد، روش تناسب مشاهده می‌شود که در این جا تنها به ذکر نمونه‌هایی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف) تضاد

در اشعار جهان ملک خاتون، حدود ۵۲٪ از تضاد در سطح کلمه استفاده شده است. مانند:
جز دولت وصال درمان نمی‌پذیرم
دردیست در جهانم در دل ز روز
(همان: ۳۶۰)

میان درد و درمان، و وصال و هجران تضاد وجود دارد.

ب) مراعات نظیر

زمانی که برخی از واژه‌های کلام، اجزایی از یک کل باشند، مراعات نظیر ایجاد می‌شود. صرف به‌کار بردن اجزای یک مجموعه، جنبه ادبی به اثر نمی‌دهد، بلکه باید این واژه‌ها و تناسب بین آن‌ها مخیل و مضمون‌ساز باشد. هرچه تناسب و روابط گسترده‌تر، مستحکم‌تر یا پیچیده‌تر باشد، اثر هنرمندانه‌تر است. (شمیسا، ۱۳۸۳ ب: ۱۱۵) این آرایه در حدود ۴۱٪، در شعرهای جهان ملک خاتون، استفاده شده است. مانند:
مده ز دست لب جوی و قامتی
به گوش جان من از گفته سروش
(همان: ۲۲۱)

دست، لب، قامت و گوش، از اعضای بدن انسان هستند که در این جا با هم به کار رفته‌اند.

گاهی کلماتی که در مراعات نظیر آورده می‌شوند، اجزای یک کل نیستند، بلکه کلماتی هستند که در سنن ادبی، با هم می‌آیند؛ مانند آب، باد، آتش و خاک در بیت زیر:

تندباد چرخ، چون در آتش عشقت
آبرویت گر شود با خاک یکسان غم
(همان: ۲۸۲)

ج) تلمیح

در اشعار انتخاب شده از جهان ملک خاتون، در یازده مورد، آرایه تلمیح مشاهده شد که نه مورد آن اشاره به داستان و دو مورد اشاره تاریخی است. از تلمیحات داستانی، چهار مورد آن تلمیح به داستان "مهر و وفا" است. در کتاب فرهنگ تلمیحات شمیسا در مورد "مهر و وفا" گفته شده، ظاهراً نام‌های عاشق و معشوقی است که داستان آنان دانسته نشده است. (شمیسا، ۱۳۸۶ ب: ۶۴۴)

در بیت زیر، این تلمیح دیده می‌شود:

سال‌ها تا رایت مهر و وفا
عاشقانه در جهان افراشتیم
(همان: ۳۹۲)

در دو مورد، به داستان حضرت یوسف (ع) اشاره شده است که یک نمونه آن بیت زیر است:

گرچه چون یعقوب گشتی ساکن بیت‌ال‌حزن
بلبل شوریده باز آید به بستان غم‌مخور
(همان: ۲۸۲)

در اشعار جهان ملک خاتون، در دو بیت به داستان عاشقانه خسرو و شیرین اشاره شده است:

اگر شیرین لب یارم نمی‌افتد به دستای دل
بیا تا خسرو آسا جان به تنگ شگر اندازیم
(همان: ۳۹۶)

در بیت زیر:

پایمال شب هجران شده چون مور ضعیف
شمه‌ای قصه دردم به سلیمان نرسید
(همان: ۲۶۳)

تلمیح به داستان مور و حضرت سلیمان (ع)، وجود دارد. در تلمیحات اشعار جهان ملک خاتون، یک مورد اشاره تاریخی دیده می‌شود که مربوط به داستان عشق میان محمود غزنوی و ایاز است:

بر تخت بخت عشق، چو محمود غالبست
با ما بگو که از چه ایازی نمی‌کنی
(همان: ۴۹۴)

روش ایهام

در ایهام، کلمات دارای معانی مختلفی هستند که به وسیله آن معانی با کلمات دیگر رابطه برقرار می‌کنند. ایهام نیز انواعی دارد و در سطح کلمه و کلام روی می‌دهد. ۸۵ مورد ایهام در شعر جهان ملک خاتون مشاهده شد، که بیشتر آن‌ها یعنی حدود ۴۹٪، ایهام در واژه است، که گاهی با الفاظ دیگر تناسب برقرار می‌کند و گاه تناسبی در میان نیست. ایهام دیگری که بسامد بالایی دارد، ایهامی است که شاعر با نام و تخلص خود، یعنی جهان ایجاد کرده است. حدود ۵۰٪ ایهام‌ها از این نوع است. تقریباً هر جا این کلمه به کار رفته، ایهام به وجود آمده است. در زیر نمونه‌هایی از این آرایه آورده می‌شود:

کار جهان خراب شد از جور روزگار
معلوم کرده‌ای و نکردی حمایتی
(همان: ۴۵۷)

گرچه بازت به هوس با دگری هست هوا
در هوای شب دیدار تو چون شهبازم
(همان: ۳۶۱)

در این بیت، باز به معنی دوباره، و هوا به معنی هوس است و در همان حال، باز به معنی پرندۀ شکاری و هوا به معنی هوا (هوایی که تنفس می‌شود)، ایهام تناسب دارند.

دادم از وصل ندادی و نهادی داغی
بر دل ای دوست بگو چند کنی
(همان: ۳۴۱)

داد به معنی انصاف است، ولی در معنی "دادن" با فعل "ندادی" ایهام تضاد پیدا می‌کند.

ترکیب کلام

در این روش ارتباط کلمات بر مبنای نظم و ترتیب خاصی است. (شمیسا، ۱۳۸۳ ب: ۱۶۵) در غزل‌ها، در ۲۵ مورد، از روش ترتیب کلام استفاده شده است. یکی از انواع ترتیب کلام، تنسیق الصفات است. در تنسیق الصفات برای یک اسم، صفات متوالی می‌آورند، مانند بیت زیر:

مسکین دل ضعیف جفا دیده در جهان
جز بندگی یار گناهی دگر نکرد
(همان: ۱۸۲)

کاربردهای بلاغی ویژه در غزلیات جهان ملک خاتون / ۴۷

از انواع دیگر ترتیب کلام، التفات است که ۸۴٪ از آن استفاده شده است. التفات، تغییر سخن از غیبت به خطاب یا از خطاب به غیبت است. (همان: ۱۷۱) در زیر دو بیت از غزل شماره ۸۲۶ جهان ملک خاتون که این آرایه را دارد، آورده می‌شود:

اگر چنانچه زند با تو سرو لاف از قد برون کنند به صد جور و خواری از چمنش
بگو چگونه تشبّه کنم رخس با ماه چه جای آن که چو گل گویم و چو یاسمنش
(همان: ۳۰۲)

روش تشبیه

در اشعار جهان ملک خاتون، در یازده مورد از این روش استفاده شده است. روش تشبیه، انواعی دارد که پرسامدترین آن‌ها در اشعار جهان ملک خاتون، مبالغه و اغراق بیانی و همچنین ارسال المثل است.

الف) مبالغه و اغراق

در کتاب شمیسا مبالغه این گونه تعریف شده است؛ توصیفی که در آن افراط و تأکید باشد.^۱ اگر این توصیف مبتنی بر تشبیه و استعاره باشد، به آن مبالغه بیانی گفته می‌شود. مبالغه بیانی در اشعار جهان ملک خاتون حدود ۳۶٪ به کار رفته است. به طور کلی در اشعار وی، مبالغه زیادی دیده نمی‌شود. نمونه‌ای از این آرایه در زیر آورده می‌شود:

بگرفت اشک ما دو جهان سر به سر ولی آن بی‌وفا ز لطف سوی ما گذر نکرد
(همان: ۱۸۱)

در مورد اشک ریختن زیاد، مبالغه صورت گرفته است.

ب) ارسال المثل یا تمثیل

یکی دیگر از انواع روش تشبیه، ارسال المثل است که در اشعار جهان ملک خاتون حدود ۵۴٪ به کار رفته است.

نمونه‌هایی از ارسال المثل موجود در اشعار انتخابی، به صورت زیر است:

به هجران سوختم بنوازم از وصل که گه زهر آید از زنبور و گه نوش
(همان: ۳۰۶)

۱. در کتب سنتی میان مبالغه و اغراق و غلو، تفاوت قائل بودند، اما در کتاب شمیسا "نگاهی تازه به بدیع" این‌ها مترادف هم گرفته شده است.

تو آفتابی و برداشتی ز ما سایه
اگرچه گل به سر آفتاب نتوان کرد
(همان: ۱۷۷)

تعلیل و توجیه

در روش تعلیل و توجیه، پرسشی درون بیت نهفته است و شاعر پاسخ آن را به صورت ادبی و ظریف بیان می‌کند. (شمیسا، ۱۳۸۳ ب: ۱۷۷) حسن تعلیل یکی از انواع این روش‌ها است که در بیت زیر مشاهده می‌شود:

پای شمشاد ز شرم تو بماند در گل
در چمن گر قد سرو تو چمن برخیزد
(همان: ۱۸۷)

پرسش نهفته در بیت چرایی در گل ماندن پای شمشاد است. شاعر پاسخ می‌دهد از قد بلند تو که در حال خرامیدن در باغ هستی، شرمسار شده (چون قدش در برابر قد تو کوتاه است) و ترجیح می‌دهد سر جای خود بایستد و حرکت نکند تا کسی او را نبیند و با تو قیاس نکند تا بیش از این شرمنده نشود.

این آرایه در اشعار جهان ملک خاتون، کاربرد خیلی کمی دارد و تنها ۴ مورد، مشاهده شده است.

۳. معانی

سخن ادبی، سخن مؤثر است و برای این که این سخن، مؤثر باشد، باید مطابق مقتضای حال مخاطب و موضوع و مقام باشد. این نکته در علم معانی مورد توجه قرار می‌گیرد. در علم معانی از جملاتی بحث می‌شود که بدون قرینه لفظی، در معنای خود به کار نمی‌روند تا تأثیر بیشتری روی مخاطب بگذارند (شمیسا، ۱۳۸۳ الف: ۱۱۱)

جملاتی که در اشعار جهان ملک خاتون، در معنای اصلی خود به کار نرفته‌اند، به چهار دسته تقسیم می‌شوند. این چهار گروه، با در نظر گرفتن بسامد به صورت زیر هستند:

- ✓ جمله‌های خبری، ۱۰۴ مورد.
- ✓ جمله‌های پرسشی، ۵۹ مورد.
- ✓ جمله‌های امری، ۵۲ مورد.
- ✓ جمله‌های نهی، ۲۴ مورد.

الف) جمله‌های خبری

جملات خبری، جملاتی هستند که برای انتقال پیام به مخاطب به کار می‌روند، اما گاهی مقاصد دیگری، هدف انتقال پیام را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. در اشعار جهان ملک خاتون از جملات خبری برای مقاصد زیر استفاده شده است که به ترتیب بسامد، نوشته می‌شود:

اظهار اندوه ۶۰٪، شکایت ۳۵٪، استرحام ۱۵٪، بیان آسودگی و اختتام کار ۷٪، یاد گذشته ۵٪، توبیخ ۵٪ و همچنین طلب ۴٪. با توجه به این بسامدها می‌توان گفت که فضای حاکم بر اشعار جهان ملک خاتون، غم و اندوه است. او با استفاده از جملات خبری، ناراحتی خود را از اوضاعی که دارد، بیان می‌کند و از معشوق خود می‌خواهد که توجه بیشتری به حال او داشته باشد.

نکته مهم این که معنای ثانوی جملات، مرز مشخصی ندارند؛ گاه ممکن است یک جمله معانی ثانوی متعددی داشته باشد. مطالعه و آشنایی بیشتر با کل ابیات غزل و کل دیوان شاعر، کمک می‌کند که تشخیص معنای ثانوی جملات، آسان‌تر انجام شود؛ اما به دلیل معذور بودن از آوردن کل غزل، تنها به آوردن همان جمله‌ای که بار اصلی بیان عاطفه را بر دوش دارد، بسنده می‌شود.

دل و دینم بر بود او و رخ از من بی‌وفایی چه کنم عادت جانان
(همان: ۸۸)

در این بیت جمله خبری برای بیان شکایت استفاده شده است.

آن که هرگز نرود یک نفسی از یادم نکند یک شبی از وصل رخس دلشادم
(همان: ۳۴۱)

ب) جمله‌های پرسشی

در اشعار جهان ملک خاتون، جملات پرسشی، به ترتیب بسامد، در معانی زیر به کار رفته‌اند: بیان اندوه و ملال ناشی از کثرت ۷۴٪، بیان آرزو ۶٪، استفهام انکاری ۶٪، توبیخ ۵٪، استفهام تقریری ۳٪ و بیان عجز و استیصال ۳٪. در زیر چند نمونه از پرسامدترین این معانی، آورده می‌شود:

آن سرو نازنین چه شود در میان باغ گر پشت بر جفای خود و رو به ما کند؟
(همان: ۲۲۹)

چرا بی‌جرم خون من بریزی؟ به تیغ غمزه و چشم غزالی
(همان: ۴۷۹)

چه باشد گر شبی بر دست امید
سر زلف سمنسای تو گیرم؟
(همان: ۳۵۹)

در این بیت جمله پرسشی در معنای بیان آرزو به کار رفته است.

ج) جمله‌های امری

در اشعار جهان ملک خاتون، جملات امری در معنای تقاضا ۷۶٪، ارشاد و تشویق مخاطب ۱۹٪
به کار رفته است.

دل فکندم به بالای سر زلفت بازآی
تا کنم در سر کار تو سر و جان جهان
(همان: ۴۰۵)

برآ به بام و رخت همچو شمع خاور
ز آفتاب رخت عالمی منور کن
(همان: ۴۲۱)

د) جمله‌های نهی

اغراض دیگر جملات نهی، در اشعار جهان ملک خاتون، به ترتیب بسامد، از این قرار است:
تشویق ۵۰٪، ملال ناشی از کثرت حدود ۳۷٪ و ارشاد حدود ۱۲٪، که نمونه‌هایی از هر کدام در
ابیات زیر مشاهده می‌شود:

دل قوی دار و مترس از هجر او مردانه باش
عیب نبود گر کشند از بهر خوبان انتظار
(همان: ۲۷۳)

در این بیت، برای تأکید بیشتر و تقویت معنی تشویق، فعل امر و نهی با هم به کار
برده شده است.

یک زمان بر لب کشتای و مخور غم به جهان
که بسا ماهرخ و سروقد اکنون خشتند
(همان: ۲۲۴)

در این بیت، جمله نهی برای ارشاد مخاطب به کار رفته است.

با توجه به بسامد کمی که جملات ارشادی دارند، می‌توان گفت که جهان ملک
خاتون قصد ارشاد و نصیحت مخاطب را ندارد. همچنین بسامد بالای بیان اندوه در شعر
او نشان می‌دهد که او تلاش می‌کند غیر مستقیم، از راه بازگو کردن غم و اندوه ناشی
از عشق و بی‌توجهی و بی‌وفایی‌های معشوق، مخاطب را با این راه پر فراز و نشیب
آشنا کند. لحن او ملایم و محزون است. در جایی هم که جملات او حالت امری به‌خود

می‌گیرند، وی در حال تقاضا و خواهش از معشوق است. صدای معشوق، جز در موارد اندکی از اشعار او به گوش نمی‌رسد.

۰۴. وزن شعر

در کتاب موسیقی شعر در مورد عوامل تمایز زبان شعر از زبان عادی، آمده است که راه‌های شناخته شده تمایز زبان یا رستاخیز کلمات را در سطوح مختلف آگاهی‌هایی که ممکن است اهل زبان داشته باشند، می‌توان به دو صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

الف) گروه موسیقایی

ب) گروه زبان شناسیک.

گروه موسیقایی، مجموعه عواملی است که زبان شعر را از زبان روزمره، به اعتبار ایجاد آهنگ و توازن، امتیاز می‌بخشد. این گروه موسیقایی، عوامل شناخته شده و قابل تحلیل و تعلیلی دارد، از قبیل وزن، قافیه، ردیف و غیره (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۷-۸) در غزل‌های انتخابی از جهان ملک خاتون، از چهار بحر مختلف استفاده شده است. این وزن‌ها از نظر بسامد به ترتیب زیر هستند:

✓ رمل، ۲۱ مرتبه؛

✓ مضارع، ۱۱ مرتبه؛

✓ هزج، ۱۰ مرتبه؛

✓ مجتث، ۸ مرتبه؛

در کتاب یادداشت‌های حافظ شمیسا آمده است که در دیوان حافظ، معمولاً سه بحر مضارع و مجتث و رمل، به کار رفته‌اند، زیرا این سه بحر، به لحاظ تعادل میان هجاهای کوتاه و بلند، موزون‌ترین وزن‌ها هستند. آن‌ها حالت ضربی ندارند و به طبیعت گفت و گویی آرام، نزدیک هستند، به همین دلیل برای سخنان صمیمانه و عاشقانه و نجواگونه، بسیار مناسب هستند. لحن آن‌ها مانند سخن گفتن عادی است و احياناً صدایی بم و حزین و زمزمه‌گونه را می‌طلبد. (شمیسا، ۱۳۸۸: ۱۳۲)

با توجه به این‌که موضوع غزل‌های جهان ملک خاتون به‌طور عمده، در مورد عشق و غم ناشی از آن است، می‌توان گفت که موسیقی بیرونی غزل‌های وی، کاملاً متناسب با موضوع غزل‌هاست. از طرفی جهان ملک خاتون وزن‌هایی را انتخاب کرده که مورد توجه حافظ آشنا به موسیقی بوده است؛ یعنی در انتخاب وزن‌ها خوش‌ذوق بوده است.

قافیه

به طور کلی اشعار جهان ملک خاتون، از عیب قافیه برکنار است، جز در غزل شماره ۱۱۱۴، در صفحه ۴۰۳ که کلمات رقیبان، طیبیان، غریبان، عندلیبان، حبیبان، بی نصیبان، لبیبان و گریبان هم قافیه شده‌اند. اگر الف و نون جمع برداشته شود، کلمه گریبان با بقیه کلمات هم قافیه نیست، پس در این غزل عیب شایگان مشاهده می‌شود.

ردیف

ردیف یکی از ویژگی‌های شعر پارسی است که در ادب فارسی، وسعت زیادی دارد. ردیف برای شاعری که قدرت تخیل و نیروی ساختن تصاویر و تداعی معانی تازه داشته باشد، روزنه‌ای برای خلق خیال‌های بدیع است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۲۲۶)

از پنجاه غزل انتخابی از جهان ملک خاتون، بیست غزل (حدود ۴۰٪) ردیف فعلی دارند. که به ترتیب بسامد در زیر می‌آیند:

الف) در شش مورد، از فعل مضارع استفاده شده است، فعل‌هایی مانند کند، برخیزد، بگشاید، اندازیم، نمی‌گیرد و نمی‌کنی.

اگر ردیف شعری، فعل مضارع باشد، پویایی تصویر بیشتر است؛ فعل مضارع بر انجام کاری یا روی دادن حالتی در زمان حال یا آینده، دلالت دارد. به همین دلیل، تصویر شعر متوقف نمی‌شود و تحرک خود را از دست نمی‌دهد.

ب) در پنج مورد، ردیف شعر فعل ماضی است، مانند آمد، نرسید، نتوان کرد، شده است، نکرد.

ج) پنج مورد، فعل معین وجود دارد، مانند است، هست، نیست، شود، بود.

د) فعل امر، در سه مورد، استفاده شده است، مانند کن، آر، بگو.

در یک مورد نیز ضمیر پرسشی "کو"، مشاهده می‌شود.

ردیف "چشم" و "انتظار" دو ردیف اسمی هستند که در شعر جهان ملک خاتون دیده می‌شود.

در ردیف‌های به کار رفته در اشعار، عبارت‌های زیر مشاهده می‌شود:

"من است" ضمیر منفصل + فعل ربطی؛

"است هنوز" فعل ربطی + قید؛

"چو شمع" ادات تشبیه + اسم؛

"که می‌رس" حرف ربط + فعل نهی؛

در یک مورد نیز، ردیف شعر جمله "غم مخور" است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در اشعار جهان ملک خاتون از ردیف‌های کوتاه استفاده شده است. ردیف کوتاه این امکان را به شاعر می‌دهد که مطالب بیشتری را در بیت بگنجانند؛ از طرفی هرچه ردیف کوتاه‌تر باشد، ملال ناشی از تکرار و یکنواختی کمتر احساس می‌شود.

نتیجه‌گیری

غزل‌های جهان ملک خاتون از جهت استفاده از علوم بلاغی، غنی است و در استفاده از آن‌ها، افراط نشده و سادگی و روانی کلام، حفظ شده است. از آرایه‌های بیانی موجود در غزل‌های جهان ملک خاتون، تشبیه کاربرد بیشتری دارد. این تشبیه‌ها که بیشتر، از نوع حسی به حسی و مفرد به مفرد هستند، بسیار ساده و زودیاب است و خواننده در درک آن‌ها با مشکلی مواجه نمی‌شود. استعاره‌های به‌کار رفته نیز یک‌بعدی هستند و تراکم تصویری در شعر، ایجاد نمی‌کنند. کنایه‌های غزل‌ها از نوع ایما بوده، به‌آسانی قابل دریافت هستند. از نظر آرایه‌های بدیعی باید گفت که استفاده از بدیع لفظی و معنوی، ضمن افزایش موسیقی کلام، ارتباط معنایی واژه‌ها را افزوده و جنبه ادبی متن را بیشتر کرده است. وزن‌های به‌کار رفته در غزل‌های انتخابی، ملایم و خوش‌آهنگ بوده و نزدیک به موسیقی طبیعی کلام است. انتخاب این وزن‌ها با موضوع غزل‌ها که عشق و غم ناشی از آن است، سازگاری دارد. عیوب قافیه، جز در یک مورد مشاهده نمی‌شود. بیشتر غزل‌ها ردیف دارند که این امر موجب افزایش جنبه موسیقایی کلام می‌شود. از نظر علم معانی نیز باید گفت که بیشتر جمله‌ها از نوع خبری بوده و معنای ثانویه اغلب آن‌ها، اظهار اندوه است که با موضوع غزل‌ها تناسب دارد.

فهرست منابع

۱. اسدی، زهرا (۱۳۸۵) "بانوی غزل فارسی در عصر حافظ". نشریه فرهنگ. (پیاپی ۵۷، ۵۸) بهار و تابستان. صص ۳-۲۶.
۲. تجلیل، جلیل (۱۳۶۷) جناس در پهنه ادب فارسی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳. جهان ملک خاتون (۱۳۷۴)، دیوان، مصححان: پوراندخت کاشانی راد و کامل احمدنژاد، تهران، زوار.
۴. خوشگو، بندرابین داس (۱۳۶۸) سفینه خوشگو (دفتر ثالث)، تذکره شعرای فارسی. چاپ: لیبل لیتهو پریس، رمنه رود، پنه.

۵. دولت آبادی، پروین. (۱۳۷۸) حافظ و جهان ملک خاتون (منظور خردمند) تهران: مرکز نشر صدا.
۶. رکن زاده آدمیت، محمدحسین. (۱۳۴۳) مصحح. تذکره روز روشن. تألیف محمدمظفر حسین صبا. تهران: کتابخانه رازی، چاپ اسلامیه.
۷. ----- (۱۳۳۸) دانشمندان و سخن‌سرایان فارس. ج ۲. تهران: کتابفروشی خیام.
۸. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۴۶) شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب. تهران: علمی.
۹. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۸) صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگه.
۱۰. ----- (۱۳۷۶) موسیقی شعر. چاپ پنجم. تهران: آگه.
۱۱. ----- (۱۳۸۷) ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت. چاپ پنجم. تهران: سخن.
۱۲. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳) الف بیان و معانی. چاپ هشتم. تهران: فردوس.
۱۳. ----- (۱۳۸۳) ب) نگاهی تازه به بدیع. چاپ چهاردهم از ویرایش دوم. تهران: فردوس.
۱۴. ----- (۱۳۸۳) ج) معانی. چاپ هشتم. تهران: میترا.
۱۵. ----- (۱۳۸۶) الف) آشنایی با عروض و قافیه. چاپ دوم از ویرایش چهارم. تهران: میترا.
۱۶. ----- (۱۳۸۶) ب) فرهنگ تلمیحات. تهران: میترا.
۱۷. ----- (۱۳۸۸) یادداشت‌های حافظ. چاپ اول. تهران: علم.
۱۸. صفوی، کوروش. (۱۳۸۳) از زبان‌شناسی به ادبیات. (ج. ۲: شعر) تهران: سوره مهر.
۱۹. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. (۱۳۸۲) زنان نامی در تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: دفتر نشر نوید اسلام.
۲۰. عیسی‌فرد، احمد. (۱۳۸۱) زنان نامدار شیعه. تهران: رایحه عترة.
۲۱. فتوحی، محمود. (۱۳۸۶) بلاغت تصویر. چاپ اول. تهران: سخن.
۲۲. قیس رازی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۳) المعجم فی معاییر اشعار العجم. به کوشش سیروس شمیسا. تهران: فردوس.
۲۳. کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۶۸) زیباشناسی سخن پارسی (۱) بیان. تهران: مرکز، کتاب ماد.
۲۴. محلاتی، شیخ ذبیح‌الله. (۱۳۶۴) ریاحین الشریعه، در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه. چاپ چهارم. ج ۴. تهران: بازار سلطانی، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. نفیسی، سعید. (۱۳۶۳) "حافظ و جهان ملک خاتون". درباره حافظ. گردآوری و تنظیم: اکبر خداپرست. تهران: انتشارات فرهنگ و هنر.
۲۶. همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۸) فنون بلاغت و صناعات ادبی. چاپ بیست و هشتم. تهران: نشر هما.